افق حوزه

• سال بیست و سوم
• شماره ۸۲۰
• دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۳
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

◉ در محضر نور

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

مِن عَلاماتِ الفِقهِ الحِلمُ وَالعِلمُ وَالصَّمتُ. إنَّ الصَّمتَ بابٌ مِن أبوابِ الحِکمَةِ. إنَّ الصَّمتَ یَکسبُ المَحَبَّةَ. إنَّهُ دَلیلٌ عَلی کُلِّ خَیرٍ.

بردباری، دانش و خاموشی، از نشانه‌های فهم است. خاموشی، دری از درهای حکمت است. خاموشی، دوستی را نصیب [انسان] می‌کند و راهنمایی به سوی هر نیکی است.

الکافی: ۲/ ۱۱۳/۱

◉ سخن بزرگان

امام خمینی قدس‌سره

حضرت زینب علیهاالسلام در مقابل یزید ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچون تحقیری نشنیده بودند.... و آن خطبه را خواند و آن حرف‌ها را زد که همه می‌دانید؛ زنی که در مقابل یک جباری ایستاد که اگر مردها نفس می‌کشیدند همه را می‌کشتند و نترسید و ایستاد و محکوم کرد حکومت را. به یزید فرمودند: تو انسان نیستی. زن یک همچو مقامی باید داشته باشد.

صحیفه امام قدس‌سره، ج ۷، ص ۳۴۰

زینب کبری علیهاالسلام

الگوی پایداری و قهرمانی

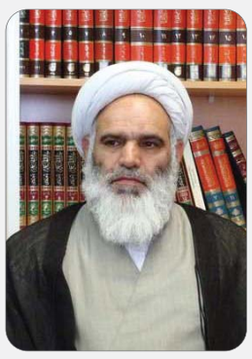

به‌مناسبت میلاد با سعادت حضرت زینب کبری علیهاالسلام، نشریه افق حوزه گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رمضانی خراسانی انجام داده است. در این گفت‌وگو، به مقام و منزلت بی‌نظیر زینب کبری علیهاالسلام پرداخته می‌شود.

مقام والای زینب کبری علیهاالسلام، به‌عنوان دختری از خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و یک شخصیت برجسته تاریخی، همواره مورد تأکید علمای بزرگ و اندیشمندان قرار گرفته است. زینب علیهاالسلام نه‌تنها نماینده یک نسل؛ بلکه الگویی برای تمام زنان جهان در زمینه‌های مختلف به‌شمار می‌آید. با مرور تاریخ و احوال ایشان، به‌وضوح می‌توان دریافت که این شخصیت بزرگ، نه‌تنها به‌خاطر مصائبش، بلکه به‌دلیل ویژگی‌های شخصیتی و روحی‌اش نیز، مورد احترام و ستایش قرار گرفته است. این گفت‌وگو فرصتی است برای بررسی ابعاد گوناگون شخصیت حضرت زینب کبری علیهاالسلام؛ از جمله تأثیرات او بر جامعه و میراثی که او به‌جا گذاشته است.

• مقام والای حضرت زینب کبری علیهاالسلام

در تمامی تاریخ بشریت، چه پیش از اسلام و چه پس از آن، در جوامع مسلمان و غیرمسلمان، از گذشته تا حال و از حال تا قیامت، مقام و منزلت زنان بی‌نظیری چون حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام به‌عنوان سیده‌النساء العالمین و زینب کبری علیهاالسلام همواره مورد تأکید و شناخته شده است. این حقیقت، مورد پذیرش علمای بزرگ و اندیشمندان بوده و نیازی به توضیح و تفصیل ندارد. هر فردی که با تاریخ بشریت و زندگی زنان آشنا باشد، در این باره تردیدی نخواهد داشت.

البته ممکن است، به‌دلیل ناآگاهی یا عدم اطلاع از تاریخ، برخی افراد دچار استبعاد شوند؛ اما با مراجعه به منابع تاریخی و مطالعه احوال پیشینیان، این تردیدها به‌راحتی مرتفع خواهد شد. زینب کبری علیهاالسلام نه‌تنها به‌عنوان یک شخصیت تاریخی، بلکه به‌عنوان الگویی برای تمامی زنان جهان در زمینه‌های مختلف شناخته می‌شود و میراث او، همچنان الهام‌بخش نسل‌های آینده است.

• خصوصیات شخصیتی حضرت زینب کبری علیهاالسلام

در محضر شش انسان کامل

حضرت زینب علیهاالسلام نه‌تنها انسان‌های کاملی را درک کرده‌اند؛ بلکه از نظر نسبی نیز به آنها و به خاندان‌شان مرتبط هستند. زینب دختر امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است که به‌عنوان دومین شخصیت در جهان آفرینش و به‌تعبیری نفس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شناخته می‌شود. علی علیه‌السلام خود فرموده‌اند: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِیدِ مُحَمَّدٍ» (کافی، ج ۱، ص ۹۰).

با توجه به آیه مباهله که می‌فرماید: ﴿فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَکُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَکُمْ وَأَنْفُسَنا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ﴾ (آل عمران: ۶۱)، به‌وضوح درمی‌یابیم که زینب کبری علیهاالسلام از صلب چنین شخصیتی به ظهور رسیده و این خود، نشانه‌ای از مقام والا و شایستگی ایشان است.

زینب علیهاالسلام مادری چون فاطمه زهرا علیهاالسلام دارد و از رحم چنین انسانی به دنیا آمده است. جد بزرگوار ایشان، رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و برادرانی چون امام حسن و امام حسین علیهماالسلام دارد. این خاندان در جهان آفرینش، از خاندان‌های ممتاز به‌شمار می‌روند. بنابراین، انتساب به این خاندان، خود نشان‌دهنده مقام والای آن‌حضرت است.

حضرت زینب کبری علیهاالسلام همچنین محضر شش انسان کامل را درک کرده است: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی‌بن ابی‌طالب، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین و به‌قولی امام زین‌العابدین و امام محمدباقر علیهماالسلام. هریک از این شخصیت‌ها، نماینده دوره‌ای از آفرینش و به‌تنهایی نمونه‌ای از انسان کامل هستند. حضرت زینب علیهاالسلام از درک محضر چنین انسان‌های بزرگی بهره‌مند شده است.

این مطلب نشان‌دهنده تأثیر عمیق این انتساب و درک شخصیت‌های بزرگ بر شکل‌گیری شخصیت ایشان است و نمی‌توان به‌سادگی از آن چشم‌پوشی کرد.

ظهور امور غریبه در دوران کودکی و طفولیت زینب کبری علیهاالسلام

در دوران کودکی زینب کبری علیهاالسلام، شگفتی‌هایی به ظهور رسید که می‌تواند گواهی بر مقام و شخصیت برجسته ایشان باشد. نقل شده است: «روزی زینب کبری علیهاالسلام که کودک بود، بر زانوی پدر بزرگوارش، حضرت علی علیه‌السلام، نشسته بود. حضرت فرمود: «دخترم، بگو «احد». زینب گفت: «احد». سپس فرمود: بگو «اثنین». زینب ساکت شد و به پدر گفت: زبانی که «احد» گفت، چگونه می‌تواند «دو» بگوید؟ حضرت علی علیه‌السلام او را به سینه چسباند و بوسید.» (زندگانی فاطمه، رسولی محلاتی، ص ۲۷۲). این‌گونه سخن گفتن و درک عمیق، تنها از انسان‌های کامل صادر می‌شود.

در روایت دیگری آمده است: «وقتی عباس و زینب کودکان کوچک امام علی علیه‌السلام بودند، ایشان به عباس گفت: بگو «واحد». عباس گفت: «واحد». سپس فرمود: بگو «اثنین». عباس گفت: «از گفتن این کلمه شرم دارم؛ چراکه زبانم به گفتن «واحد» عادت کرده است. سپس علی علیه‌السلام چشم‌های او را بوسید و به زینب که در سمت چپ او بود، توجه کرد و پرسید: «آیا مرا دوست داری؟» زینب گفت: «بله؛ اما آیا خدا را هم دوست داری؟» امام پاسخ داد: «بله، خدا را نیز دوست دارم.» زینب ادامه داد: «نمی‌شود دو عشق در یک دل جمع شود. اگر لازم باشد، محبت ما باید به‌عنوان شفقت باشد و عشق اصلی باید مختص خدا باشد.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۵).

این گفت‌وگو، نشان‌دهنده درک عمیق زینب علیهاالسلام از توحید و مقام خداوند است و بیان او حکایت از بصیرت و برتری شخصیتش دارد. زینب علیهاالسلام در این سنین کودکانه، به پدر خود درس می‌دهد و شنیدن چنین سخنانی از یک کودک، به‌وضوح نشان‌دهنده این است که او انسانی فوق‌العاده و فراتر از دیگران است.

• نگاهی به القاب زینب کبری علیهاالسلام

نگاهی دقیق‌تر به لقب ام‌المصائب

زینب کبری علیهاالسلام شخصیت بزرگ اسلام و افتخار جامعه زنان است که برای ایشان القاب و کنیه‌های متعددی ذکر شده است. از میان این القاب، سه کنیه «المصائب»، «ام‌الرزایا» و «ام‌النوائب» قابل توجه می‌باشند. در اینجا قصد دارم نسبت به این سه کنیه نگاهی دیگرگونه و متفاوت از آنچه مشهور است، ارائه دهم.

عموم مردم بر این باورند که زینب علیهاالسلام به‌دلیل مصائب و مشکلات فراوانی که از کودکی تا زمان رحلت متحمل شده است، به لقب «ام‌المصائب» ملقب گردیده است؛ اما اگر به این موضوع با دقت بیشتری بنگریم، متوجه می‌شویم که معنای دقیق‌تری وجود دارد. «ام» در لغت به دو معناست:

۱. اساس و ریشه
۲. پناهگاه؛ ملجأ و مأوی

در اینجا، من معنای دوم را برمی‌گزینم و بر این باورم که نمی‌توان به‌سادگی گفت که زینب علیهاالسلام اساس و ریشه همه مصائب است؛ بلکه باید گفت که زینب، پناهگاه مصیبت‌هاست. در واقع، خود مصیبت‌ها که می‌توانند افراد را از پا درآورند، در مقابل عظمت زینب به زانو درمی‌آیند. این معنا، دقت و عمق بیشتری دارد و شایسته است که مورد توجه قرار گیرد.

• دیگر القاب زینب کبری علیهاالسلام

زینب کبری علیهاالسلام دارای القاب فوق‌العاده‌ای است که به ویژگی‌های برجسته او اشاره دارند. برخی از این القاب عبارتند از: عالمه غیرمعلمه، عقیله بنی‌هاشم، معصومه صغری، ولیةالله، امینةالله، نائبةالزهرا علیهاالسلام، نائبةالحسین علیه‌السلام، عقیلةالنساء، شریکةالشهدا، بلیغه، فصیحه، عابده آل‌علی، فاضله، شریکةالحسین علیه‌السلام، الراضی بالقضا والقدر و....

این القاب نشان‌دهنده مقام والای زینب کبری علیهاالسلام در دین اسلام و نقش کلیدی او در تاریخ و فرهنگ اسلامی است.

ولیةالله

این القاب در میان نصوص و کتب تاریخ، هم از ناحیه ائمه و هم از ناحیه علمای رجال و تراجم ذکر شده است. در رأس همه این‌ها، لقب «ولیةالله» قرار دارد و هر لقبی که برای ایشان ذکر شده است، همه فرع بر همین مقام ولایت زینب کبری می‌باشد. «ولایت» از ماده «ولی» است و «ولی» به‌معنی «شدت قرب» می‌باشد، به‌نحوی که بین دو چیز، فاصله و حجابی وجود نداشته باشد. از ریشه «ولی»، یک «ولایت» به کسر «واو» و یک «ولایت» به فتح «واو» ساخته می‌شود.

وزن «فعالة» در زبان عربی دلالت بر شأنی از شؤون جمعی و اجتماعی می‌کند؛ مانند «سقایة» و «تجارة». «ولایت» به‌معنی «تدبیر امور» است و اگر نسبت به انسان‌ها در نظر بگیریم، یعنی تدبیر امور انسان‌ها و اگر به‌معنی مطلق بگیریم، یعنی «تدبیر ماسوی‌الله» و کل عالم هستی. همچنین «ولایت» به فتح «واو» به‌معنی «محبت و دوستی» است و در هر دوی این‌ها، شدت قرب ملحوظ است. در «ولایت» به‌معنی «تدبیر امور»، کسی می‌تواند ولایت داشته باشد که با اشیاء و موجودات و کثراتی که تدبیر آن‌ها را به عهده دارد، یکی شده باشد و با آنها اتحاد برقرار کرده باشد. اگر انسان از مجموعه تدبیری خودش دور شود، این تدبیر محقق نمی‌شود و ولایت نیست.

از این‌رو، در میان نصوص دینی که از «ولی» و «ولی خدا» و «مقام ولایت» صحبت می‌شود، به این معناست که «ولی» کسی است که با مردم هست، با مجموعه هست و تافته جدابافته نیست و از آنها و در میان آنهاست. مسئله تدبیر با دربان و حاجب و واسطه خوردن پا نمی‌گیرد؛ چون از حقایق و واقعیت‌ها دور می‌ماند. در «ولایت» به‌معنی محبت نیز، «محب» باید فانی در محبوبش باشد و بین او و محبوب، نباید فاصله‌ای وجود داشته باشد.

بنابراین، «ولی‌الله» به‌معنای کسی است که از جانب حق متعال تعیین شده و شأن ولایت و شؤون جمعی را به عهده دارد. لقب «ولیةالله» در مورد بی‌بی زینب کبری علیهاالسلام آمده است و هر دو معنی درباره شخصیت عظیم آن‌حضرت صدق می‌کند. زینب کسی است که می‌تواند سرپرستی کند و در حوادث و مشکلات و مصائب خویشتن‌دار باشد و تسلط بر نفس داشته باشد و اداره امور را به دست گیرد. همچنین، «ولی» به‌معنی فانی در حق نیز، بر این بانوی مجلله صدق می‌کند.

شما تصور کنید اگر کودکی در خانواده‌ای بیمار شود، این امر چقدر آرامش روانی خانواده را مختل می‌کند؛ چه برسد به اینکه او از دنیا برود. در حادثه بزرگ کربلا، اباعبدالله علیه‌السلام و یارانش با آن وضع فجیع به شهادت رسیدند و رنگین‌ترین صحنه تاریخ را رقم زدند. به‌تعبیر امام صادق علیه‌السلام: «لَکِنْ لَا یَوْمَ کَیَوْمِکَ یَا أَبَاعَبْدِاللَّهِ» (بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱۸). آن کسی که در صحنه حاضر شد، حسین است؛ اما کسی که صحنه‌گردان جریان کربلاست، زینب است. زینب، کارگردان حماسه عاشورا بود.

این امور خارج از طاقت بشری که از ایشان دیده می‌شود، اگر ولایت نیست، چیست؟ زینب از همان کودکی فانی فی‌الله بود و چه برسد به تطورات و تکاملاتی که برای او فراهم شد. به قول استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله: «زینب با آن عظمتی که از اول داشته است – و آن عظمت را در دامن زهرا علیهاالسلام و از تربیت علی علیه‌السلام به دست آورده بود– در عین حال، زینبِ بعد از کربلا با زینب قبل از کربلا متفاوت است؛ یعنی زینب بعد از کربلا یک شخصیت و عظمت بیشتری دارد.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۶۰).

اگر این لقب «امینةالله» بودن را اساس قرار بدهیم، قضیه «عَالِمَةٌ غَیْرُمُعَلَّمَةٍ» بودن حضرت نیز روشن می‌شود. زینب چون «ولی‌الله» است، «عَالِمَةٌ غَیْرُمُعَلَّمَةٍ فَهِمَةٌ غَیْرُمُفَهَّمَةٍ» است. (بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴). گاهی علم انسان کسبی و رسمی است و گاهی علم او از ناحیه ﴿وَعَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْماً﴾ (کهف، ۶۵) افاضه شده است. به‌قول خواجه حافظ شیرازی:

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

بی‌بی زینب کبری علیهاالسلام به غمزه آن علوم و معارف را به دست آورد.

عقیله بنی‌هاشم علیهاالسلام

لقب «عقیله بنی‌هاشم» به حضرت زینب کبری اشاره دارد و به‌معنای «شخصیت با اصل و نسب» در میان بنی‌هاشم است. واژه «عقیله» بر وزن «اصیله» است و به آن کسی اطلاق می‌شود که از همه در اصل و نسب برتر است. بی‌بی حضرت زینب علیهاالسلام به‌عنوان نسخه‌ای مطابق با اصل و هویت بنی‌هاشم، این لقب را به خود اختصاص داده است.

معصومه صغری

لقب «معصومه صغری» به‌عنوان مقابل «معصومه کبری»، از دیگر القاب حضرت زینب علیهاالسلام محسوب می‌شود. در امت اسلامی، ما به‌طور کلی ۱۴ معصوم داریم؛ اما این بدان معنا نیست که افراد دیگری که در درجات پایین‌تر قرار دارند، نباشند. با توجه به علم، معرفت و مقام ولایت، برخی از شخصیت‌ها خود را به عصمت نزدیک کرده‌اند. اگر بپذیریم که ریشه عصمت در ولایت است و حقایق الهی بر ولی‌الله آشکار است، می‌توان برای زینب کبری علیهاالسلام مقام عصمت قائل شد، بدون آنکه عدد ۱۴ معصوم به هم بخورد.

امینةالله

لقب «امینةالله» نیز از دیگر عناوین حضرت زینب علیهاالسلام است. ایشان شخصیتی هستند که حق‌تعالی او را به‌عنوان امین سرّ خود برگزیده و اسراری الهی را در وجود ایشان به ودیعه نهاده است. این لقب نشان‌دهنده جایگاه رفیع و قابلیت‌های معنوی و الهی ایشان است.

نائبةالزهرا

لقب «نائبة الزهرا علیهاالسلام» به زینب کبری علیهاالسلام اشاره دارد و نشان‌دهنده مقام رفیع ایشان به‌عنوان نماینده و جانشین حضرت زهرا علیهاالسلام است. نیابت از شخصیتی که شأن و منزلتی خاص دارد، خود احکامی خاص را طلب می‌کند. زینب علیهاالسلام با نیابت از حضرت زهرا علیهاالسلام، هم‌چنان‌که خود دارای علو درجه‌ای بی‌نظیر است، از احترام و منزلت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. در موقعیت‌هایی که از طرف شخصیتی بزرگ نیابت می‌کردم، نحوه برخورد و احترام دیگران به من به‌طور ویژه‌ای متفاوت بود و این نشان‌دهنده تأثیر نیابت در ارتباطات اجتماعی و معنوی است.

بلیغة

لقب «بلیغة» از دیگر عناوین حضرت زینب علیهاالسلام است که به بلاغت و فصاحت سخنان ایشان اشاره دارد. خطبه‌هایی که ایشان در حوادث کربلا و در شام و کوفه ایراد کردند، به‌اندازه‌ای پرمغز و تأثیرگذار بودند که با خطبه‌های علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام هم‌ردیف می‌باشد. حذیم‌بن شریک اسدی روایت کرده که زمانی که علی‌بن حسین علیه‌السلام را همراه با زنان از کربلا آوردند، زینب علیهاالسلام به مردم اشاره کرد تا سکوت کنند. او در این لحظه به‌قدری گویاتر از هر بانویی بود که گویا سخن علی علیه‌السلام را بر زبان می‌آورد. زینب پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خطبه خود را آغاز کرد که نشان‌دهنده بلاغت و تسلط ایشان بر کلام و سخنوری است.

معلمة

زینب کبری علیهاالسلام علاوه بر مقام علمی و عالمه بودن، دارای کرسی تدریس و تفسیر قرآن نیز بودند. ایشان از مفسران بزرگ قرآن به‌شمار می‌روند و در سلسله سند خطبه‌ای که از حضرت فاطمه علیهاالسلام نقل شده، نام زینب نیز وجود دارد. همچنین، شخصیت‌های مختلفی از جمله محمدبن عمر، عطابن سائب و فاطمه بنت‌الحسین علیه‌السلام از ایشان روایت نقل کرده‌اند که نشان‌دهنده جایگاه علمی و تأثیرگذاری ایشان در علم حدیث و تفسیر است.

عابده آل‌علی علیهاالسلام

لقب «عابده آل‌علی» به حضرت زینب کبری علیهاالسلام نسبت داده می‌شود و نشان‌دهنده عبادت و دینداری عمیق ایشان است. عبادت در خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام امری بدیهی و ذاتی است؛ به‌طور مثال، امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز و شب هزار رکعت نماز می‌خواند و به عبادات پدر بزرگوارش علی علیه‌السلام توجه ویژه‌ای داشت. ایشان در این باره می‌فرمایند: که مشاهده‌گر عبادات علی علیه‌السلام بود و با خود می‌گفت: «ما کجا و عبادت علی علیه‌السلام کجا؟» (ینابیع‌المودة، ص ۱۵۰، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۹). این تأکید بر اهمیت عبادت در این خاندان نشان می‌دهد که زینب کبری علیهاالسلام نیز به‌دلیل ولایتی که در این خانواده دارد، به سمت عبادت سوق پیدا کرده است.

حضرت زینب علیهاالسلام در کربلا نیز از عبادت غافل نشد و حتی در شرایط بحرانی و دشوار نیز، به نماز شب ادامه می‌داد. امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مورد او می‌گوید: «در شب یازدهم محرم دیدم نشسته نماز می‌خواند.» او با وجود تمام مصیبت‌ها و اندوه‌ها، در مسیر شام نیز نافله‌های شب خود را ترک نکرده است.

امام حسین علیه‌السلام در آخرین وداع با خواهرش به او فرمود: «یا اختاه! لاتنسینی فی نافلة‌اللّیل»؛ خواهرم! مرا در نماز شب فراموش نکن.

نقل‌قولی از فاطمه دختر امام حسین علیه‌السلام نیز وجود دارد که می‌گوید: «عمه‌ام زینب در شب دهم محرم در محراب عبادت مشغول مناجات بود و با خدا راز و نیاز می‌کرد؛ درحالی‌که چشمی از ما به خواب نرفته و ضجّه‌های‌مان آرام نشده بود.» همچنین، امام سجاد علیه‌السلام نقل کرده‌اند که در سفر از کوفه به شام، عمه‌اش زینب علیهاالسلام مرتباً نمازهای واجب و مستحب خود را انجام می‌داد و در برخی از منازل، نمازش را شسته می‌خواند. وقتی از او درباره این کار پرسید، گفت: «به‌خاطر گرسنگی و ضعف؛ زیرا سه شبانه‌روز غذا نخورده بود و سهم غذایش را در میان کودکان تقسیم کرده بود.» (زینب‌الکبری، جعفر نقدی، ص ۶۲-۶۱).

این موارد نشان‌دهنده استقامت و پایداری حضرت زینب علیهاالسلام در عبادت و دینداری است؛ به‌گونه‌ای که او به‌عنوان عابده آل‌علی علیه‌السلام در تاریخ ماندگار شده است.

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی

◉ عطر یار

تنهای مدینه

غلامرضا سازگار

زخم دل هجران زدگان را تو شفایی
درد غم بی‌نسخه ما را تو دوایی
عالم همه‌جا پر شده از تیرگی محض
ما گمشدگانیم و تو مصباح هدایی
مگذار که با ما همه عالم بستیزند
ما با همه گفتیم که تو صاحب مایی
سوگند به تنهایی تنهای مدینه!
تنها تو فقط منتقم خون خدایی
تو وارث بازوی علمدار حسینی
تو پاسخ فریاد تمام شهدایی
با خون دل و اشک روان هر شب جمعه
با مادر خود فاطمه، در کربلایی
ای کاش که یک لحظه به چشم همه عالم
زآن گوشه‌ی شش گوشه، به ما رخ بنمایی
ما پیش تو بودیم ولی حیف نبودیم
تو در دل مایی و ندانیم کجایی
گفتم که دعایی کنم از بهر ظهورت
دیدم تو دعایی، تو دعایی، تو دعایی
«میثم» همه گوش است که از خویش بگویی
کعبه همه چشم است که در کعبه درآیی

◉ یادداشت

سفرهای تبلیغی

استاد جواد محدثی

طلبه‌ها و مبلغان وقتی از سفر تبلیغی بر می‌گردند، کلی حرف و حدیث دارند که مایلند با افراد مؤثر در کار طلاب و حوزه در میان بگذارند. وقتی به هم می‌رسند، می‌پرسند: کجا بودی، چطور بود و چه گفتی؟

استاد گفت: همچنان که پیش از اعزام مبلغان، گردهمایی بزرگ مبلغان برگزار می‌شود و مسئولان حوزه و بزرگان و افراد سیاسی مطالبی را می‌گویند، خوب است پس از بازگشت از تبلیغ هم همایش‌هایی برگزار شود؛ ولی نه با سخنرانی بزرگان و مشاهیر؛ بلکه با صحبت‌های طلاب اعزام‌شده به مناطق.

گفتم: گردهمایی پس از تبلیغ به چه درد می‌خورد؟

استاد گفت: ثمرات آن، کمتر از سخنرانی‌های پیش از اعزام یا عزیمت نیست. مبلغان در سفر ده‌روزه یا یک‌ماهه محرم و ماه رمضان، کلی تجربه دارند. حرف و حدیث دارند، پیشنهاد و طرح دارند، از نیازهای فرهنگی منطقه تبلیغی آگاه شده‌اند، مشکلات آنان و کمبودهای تبلیغی را می‌دانند.

گفتم: این مثل ارزیابی نقاط قوت و ضعف یک عملیات رزمی پس از پایان عملیات است.

استاد گفت: دقیقاً همین‌طور است؛ اینکه با چه روش‌هایی بهتر می‌توان احکام و معارف این را بیان کرد؟ کم و کاستی‌های مردم در حوزه فکر و دین‌شناسی و رفتار و اوصاف چیست؟ چگونه می‌توان برای کودکان و نوجوانان هم، برنامه گذاشت؟ علل عدم استقبال از روحانی در برخی مناطق چیست؟ با مشکلات سفر تبلیغی چگونه باید برخورد کرد؟ چه مباحثی برای طرح لازم‌تر است و ده‌ها مسأله از این قبیل، می‌تواند محتوای چنین نشست‌های پس از تبلیغ باشد.

گفتم: کاش می‌شد، مجموعه این تجارب و اطلاعات و روش‌ها را در جایی گردآوری و تدوین کرد.

استاد گفت: این یک مرحله است؛ مرحله مهمتر بهره‌گیری از آنها در فرصت‌های بعد و در اختیار گذاشتن برای مبلغان بعدی است. باید برای هر شهر و منطقه و روستایی، یک «پرونده» تشکیل داد و اینکه چه کسانی آن جاها رفته‌اند، چه مباحثی گفته‌اند، چه نیازهایی دارند، به افراد بعدی منتقل کرد.